

زارع انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا کمتر از دوهفته دیگر برگزار می‌شود و از مدت‌ها پیش به مهم‌ترین آزمون ترامپ تبدیل شده‌است؛انتخاباتی که نتیجه‌آن می‌تواندتوازن قدرت در کنگره را تغییر دهد؛ اما در این میان، رقابت برای تصاحب اکثریت مجلس سنا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا دموکرات‌ها برای بازپس‌گیری کنترل این مجلس باید همه کرسی‌های تحت کنترل خود را حفظ کنندو چهار کرسی دیگر هم‌دست آورند.

■ **۷ایالت در کانون رقابت برای کنترل سنا**

به گزارش روزنامه گاردین، رقابت در ایالت‌های آلاسکا، آیووا، کانزاس، مین، میشیگان، اوهایو و تگزاس از نزدیک‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین رقابت‌های سنا به شمار می‌رود. در این ایالت‌ها فاصله نامزدهای دو حزب به اندازه‌ای محدود است که تغییرات در میزان مشارکت، وضعیت اقتصادی و تصمیم رأی‌دهندگان مردم می‌تواند نتیجه نهایی را تغییر دهد. نیوهامپشایر و کارولینای جنوبی نیز از دیگر ایالت‌هایی هستند که وضعیت آن‌ها در ارزیابی توازن قوا اهمیت دارد، هرچند در این دو ایالت کفه ترازو به ترتیب به سود دموکرات‌ها و جمهوری خواهان ارزیابی شده‌است.

■ **تگزاس؛ پایگاه سنتی قرمزها تسخیر می‌شود؟**

تگزاس یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت انتخاباتی است؛ ایالتی که برای دهه‌ها از پایگاه‌های اصلی جمهوری خواهان محسوب می‌شد؛ اما در انتخابات امسال به یکی از فرصت‌های بالقوه دموکرات‌ها برای کسب کرسی سنا تبدیل شده‌است.

جیمز تالاریکو، نامزد دموکرات‌ها و نماینده مجلس ایالتی تگزاس، در برابر کن پاکستان، دادستان کل جمهوری خواه این ایالت قرار گرفته است. تالاریکو بر موضوعاتی مانند نابرابری اقتصادی و افزایش مالیات بر ثروتمندان تأکید می‌کند، در حالی که پاکستان بر پیوند نزدیک خود با ترامپ و سیاست‌های دولت او تکیه کرده‌است. بر اساس میانگین نظرسنجی‌های منتشرشده تا ۲۱ اکتبر، تالاریکو با ۴۸/۵ درصد در برابر ۴۴/۳ درصد پاکستان قرار داشت. این ارقام نشان می‌دهد رقابت در ایالتی که آخرین بار در سال ۱۹۸۸ یک نامزد دموکرات را به سنا فرستاده، می‌تواند به یکی از غافلگیری‌های مهم انتخابات تبدیل شود. با این حال، اختلاف محدود نظرسنجی‌ها به معنای تضمین پیروزی هیچ یک از نامزدنهان نیست.

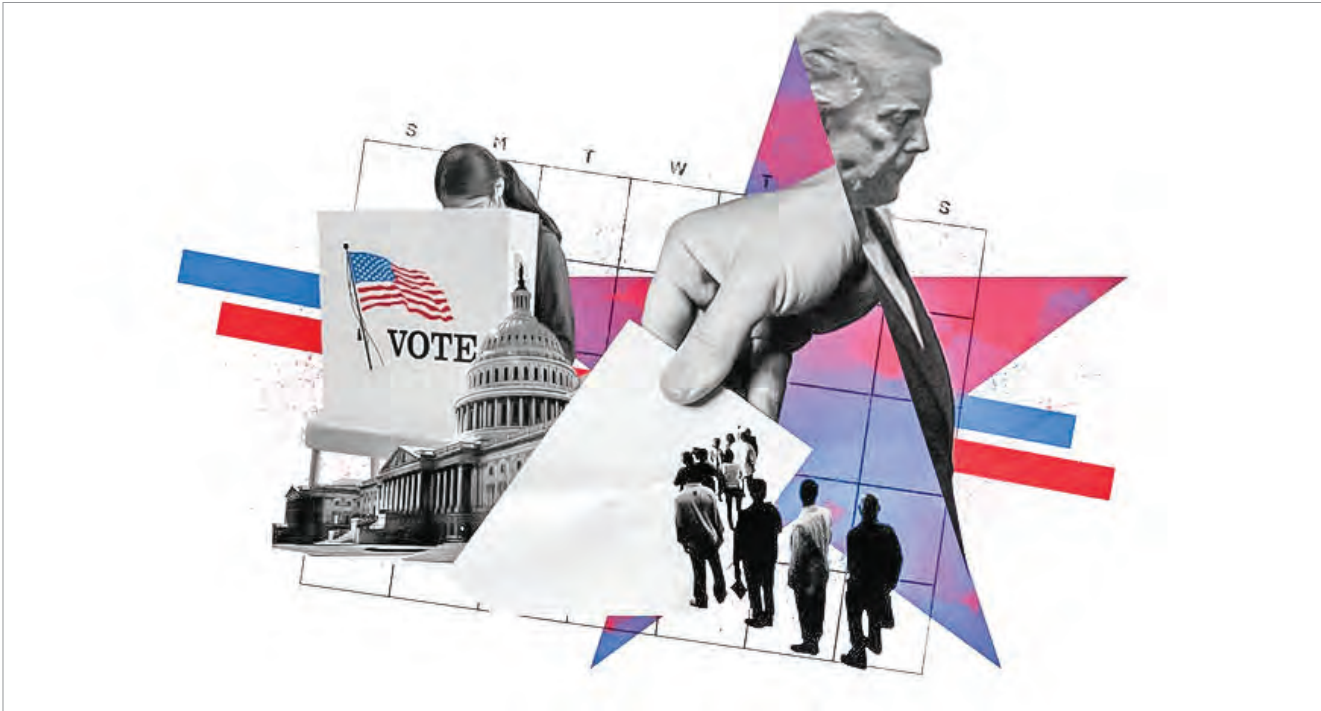
■ **میشیگان و آیووا؛ اقتصاد پیش از صندوق رأی**

در میشیگان رقابت میان عبدالسید، نامزد دموکرات و مایک راجرز، نامزد جمهوری خواه، از دیگر میدان‌های مهم انتخابات است. عبدالسید که سابقه فعالیت در حوزه بهداشت عمومی را دارد، از گسترش پوشش خدمات درمانی به همه شهروندان آمریکایی دفاع می‌کند. در مقابل، راجرز تلاش دارد حمایت رأی‌دهندگان جمهوری خواه و کسانی را که با برنامه‌های اقتصادی و سیاسی این حزب همراه هستند، حفظ کند. میانگین نظرسنجی‌های منتشرشده در گاردین تا ۲۱ اکتبر، عبدالسید را با ۴۸ درصد در برابر ۴۶ درصد

گزارش

از آلاسکا تا تگزاس، دموکرات‌ها برای عوض کردن سناتورها دندان تیز کرده‌اند

شریان حیات فیل‌ها در هفت ایالت کلیدی



بگیرد. پلتولا بر افزایش هزینه‌های زندگی و مشکلات اقتصادی شهروندان تمرکز کرده؛ مسائلی که می‌توانند در ایالتی با ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی خاص، بر تصمیم‌رأی‌دهندگان اثر بگذارند. رقابت در این ایالت از آن نظر مهم است که پیروزی دموکرات‌ها می‌تواند یکی از کرسی‌های جمهوری خواهان را مستقیماً از اختیار آن‌ها خارج کند.

در مین، تروی جکسون، رئیس پیشین مجلس سنای ایالتی و نامزد دموکرات، با سوزان کالینز، سناتور جمهوری خواه رقابت می‌کند. این ایالت از مهم‌ترین فرصت‌های دموکرات‌ها برای تصاحب کرسی‌های جمهوری خواهان به شمار می‌رود. در اوهایو نیز شروود براون، سناتور پیشین دموکرات برای بازگشت به سنا با جان هیوستد، نامزد جمهوری خواه رقابت دارد. گزارش رویترز از پیش‌تازری محدود براون در نظرسنجی‌ها حکایت دارد؛ وضعیتی که نشان می‌دهد حتی در ایالت‌هایی که جمهوری خواهان از موقعیت قابل توجهی برخوردارند، نتیجه انتخابات از پیش مشخص نیست.

■ **اقتصاد آمریکا در باتلاق جنگ ایران**

یکی از محورهای اصلی تحلیل گاردین از انتخابات امسال، تأثیر شرایط اقتصادی بر تغییر موازنه رقابت‌هاست. در ماه‌های گذشته، نارضایتی از وضعیت

اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی و بالا رفتن قیمت سوخت، به موضوعاتی محوری در کارزارهای انتخاباتی تبدیل شده‌اند. گاردین این تحولات را در کنار پیامدهای جنگ ایران از عوامل مؤثر در تغییر فضای سیاسی آمریکا به سود دموکرات‌ها معرفی می‌کند.

نامزدهای دموکرات تلاش دارند انتخابات را به همه‌پرسی درباره عملکرد دولت ترامپ تبدیل کنند و بر مشکلات معیشتی خانوارها، قیمت بنزین و گازوئیل و نابرابری اقتصادی تمرکز دارند. در مقابل، جمهوری خواهان باید از عملکرد دولت خود دفاع کنند؛ موضوعی که در شرایط کاهش محبوبیت رئیس‌جمهور می‌تواند دشوارتر شود.

بر اساس گزارش گاردین، میزان تأیید عملکرد ترامپ در نظرسنجی رویترز و مؤسسه ایپسوس به ۳۲ درصد رسیده است؛ رقمی که نشان‌دهنده فشار سیاسی بر رئیس‌جمهور در آستانه انتخابات است.

با این حال، نارضایتی از رئیس‌جمهور لزوماً به معنای رأی دادن به دموکرات‌ها نیست و میزان مشارکت، ویژگی‌های هر ایالت و عملکرد نامزدها نیز در تعیین نتیجه نقش خواهند داشت. آیا نتایج ۲۰۱۸ تکرار خواهد شد؟ جایی که ترامپ در نخستین دوره ریاست جمهوری‌اش در انتخابات میان‌دوره‌ای اکثریت مجلس نمایندگان را از دست داد.

کشته و چهار نفر زخمی شدند.
سباستین لوکورو، نخست‌وزیر فرانسه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «حادثی بسیار جدی در تراز رخ داده است». همزمان آنچه در رسانه‌های اروپایی دیده می‌شود، ضریب بیش از حد این حادثه است. همین ماجرا احتمال سناریو داشتن این حادثه را بیشتر می‌کند.
آیا همه این حوادث قرار است دست به دست هم دهند تا فرانسه میلیتاریزه‌تر شود و آیا قرار است برخورد با اعتراضاتی که می‌خواهد امروز و فردا برگزار شود، به ارتش سپرده شود؟
روز گذشته دولت فرانسه برای اعتراضات بعدی از یک «استقرار فوق‌العاده سنگین» خبر داد و نونیز، وزیر کشور تأیید کرد: «برخی از نیروهای ارتش برای مقابله با اعتراضات شنبه آینده مستقر خواهند شد». منتقدان استدلال می‌کنند که این دقیقاً «نظامی‌سازی» فضای اعتراضی است: شکست به عنوان دلیل برای ارتقای ابزارهای سرکوبگری استفاده می‌شود. علاوه بر این، مقامات مارتسی حالا تمام تجمعات را در سراسر شهر از ساعت ۱۲ تا ۲۰ ممنوع کرده‌اند و مکرون همچنین اعلام کرد مقامات محلی می‌توانند «در صورت لزوم» تجمعات خاص را در روزهای آینده ممنوع کنند.
در نهایت اگرچه شواهد واضح از تلاش پنهان دولت فرانسه برای ناموفق جلوه‌دادن پلیس وجود ندارد؛ اما چه این شکست امنیتی ناشی از سهل‌انگاری سازمانی باشد و چه ناشی از طرح‌ریزی سیاسی، نتیجه عینی آن بدون تغییر است: فضای اعتراضی مدنی فرانسه به سرعت در حال امنیتی شدن و نظامی‌سازی است.
مکرون بارد استعفای وزیر کشور، حفظ «تداوم فرماندهی» را انتخاب کرد نه پاسخ‌گویی سیاسی؛ اما همزمان استقرار ارتش، خودروهای زرهی، پهپادها و واحدهای ویژه را اعلام کرد و ممنوعیت تجمعات را گسترش داد.
اتحادیه‌های پلیس اگرچه دولت را به «قربانی کردن پلیس» متهم کردند؛ اما خواسته‌های آن‌ها (روشن‌سازی زنجیره فرماندهی، شناسایی مسئولان دستورات متناقض) در نهایت به تقویت کنترل‌پذیری سیستم امنیتی کمک می‌کند، نه محدود کردن آن.
شکست امنیتی به جای اینکه دولت را وادار به بازنگری در استراتژی مدیریت اعتراضات کند، به کاتالیزوری برای ارتقای ابزارهای سرکوبگری تبدیل شده است. این شاید مهم‌ترین و ماندگارترین «پیامد» این شکست در فرانسه مدرن باشد.



با «تعداد زیادی از آشوبگران و غارتگران» کافی نبوده است. نونیز همان روز استعفای خود را به مکرون ارائه داد؛ اما مکرون آن را رد کرد و دلیل آن را «نیاز به تداوم فرماندهی نیروهای امنیتی در زمان بحران» عنوان کرد. کاخ الیزه اعلام کرد مکرون از نونیز خواسته «شفافیت را در قبال شکست‌های برنامه‌ریزی و اطلاعاتی که منجر به خشونت شد، تضمین و هرچه سریع‌تر روش‌های عملیاتی جدید برای مقابله با آشوبگران اجرا کند».

■ **ساختار تاکتیکی و «دستورات متناقض»**

با این حال گفته می‌شود، مسئله صرفاً کمبود نیرو نبوده است. در ۱۴ اکتبر اتحادیه پلیس رسماً اعلام کرد دلیل دولت به دلیل «به خطر انداختن جان دیگران» شکایت می‌کند و مستقیماً «دستورات متناقض» و «دستورالعمل‌های مبهم» را محکوم کرد. در بیانیه این اتحادیه آمده است: «آکنون دستورالعمل‌های مبهم، دستورات متناقض و سخنرانی‌های توخالی داریم، در صحنه، واقعیت کاملاً متفاوت است: پلیس منزوی، خیانت دیده و رها شده، در معرض خشونت و انتقام‌جویی قرار گرفته است». این اتحادیه مستقیماً از وزیر کشور پرسید: «آیا اداره شما به شما دروغ می‌گوید؟ یا پلیس عمداً بر قربانگاه ارتباطات سیاسی قربانی می‌شود؟» و هشدار داد که پلیس «نه سپر

نیک‌پندار | اعتراضات سراسری فرانسه که تا اینجای

کار با یک شکست امنیتی بی‌سابقه همراه بوده نظام سیاسی این کشور را به چالش کشیده است تا جایی که امنوئل مکرون در خلال سخنرانی خود از قطر، خواستار «قاطعیت کامل» در برابر مسببان خشونت‌ها شده و روز پنجشنبه نشستنی اضطراری با سرویس‌های اطلاعاتی با هدف بررسی ناکامی‌های امنیتی ۱۷ اکتبر ترتیب داد. همزمان وزیر کشور فرانسه علناً اعتراف کرد که پلیس «کنترل را از دست داد»، اتحادیه‌های پلیس دولت را به «قربانی کردن پلیس» متهم کردند و رئیس‌جمهور در حالی که استعفای وزیر کشور را رد کرد، خواستار «شفافیت» و «روش‌های عملیاتی جدید» شد.

■ **آمارهای خشونت و «اعترافات» رسمی**

روز ۱۷ اکتبر (شنبه) اعتراضات سراسری علیه هزینه‌های بالای زندگی، در چندین شهر به خشونت گسترده تبدیل شد. بر اساس داده‌های رسمی، نزدیک به ۵۵۰ تا ۸۰۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند و پلیس در سراسر کشور حدود ۶۰ هزار نیرو را مستقر کرد؛ اما این تعداد نیرو به وضوح کافی نبود. در پاریس، مارتسی، لیون، بوردو، نیس، لیل، مون‌پلیه و شهرهای دیگر، مغازه‌ها به طور سیستماتیک غارت شدند و مقامات شهری توصیف کردند که «خیابان‌ها کاملاً به طور روروشمند ویران شدند». رئیس اتاق بازرگانی فرانسه برآورد کرد که بیش از ۲ هزار مغازه تحت تأثیر قرار گرفتند و خسارت‌ها به «صدها میلیون یورو» رسید. منابع دیگر آمار غارت مغازه‌ها را بیش از ۳ هزار باب ذکر کردند.

پیامدهای مستقیم خشونت بسیار سنگین بود: نزدیک به هزار نیروی امنیتی مجروح و چند هزار شهروند بازداشت شدند. در مارتسی، مقامات استانی ادعا کردند که روز شنبه حدود ۳۰ هزار غارتگر شناسایی شدند، در حالی که شهرداری آمار هزار و ۵۰۰ نفر را اعلام کرد؛ تناقضی که خود نشان‌دهنده هرج و مرج اطلاعاتی در زمان بحران است.

روز ۱۹ اکتبر لوران نونیز، وزیر کشور در مصاحبه با رادیو France Inter اعتراف کرد: «شما نمی‌توانید وقتی صدها مغازه غارت شده‌اند، به چشمان مغازه‌داران نگاه کنید و بگویید که کنترل برخی شهرهای بزرگ را از دست ندادید». او پذیرفت که استقرار نیروهای امنیتی «عدم پیش‌بینی» داشته و تعداد نیروها برای مقابله

۲ مبارز فلسطینی در ورودی الخلیل، دکترین نظارت هوشمند ارتش رژیم صهیونیستی را فرو ریختند

۲۰ دقیقه اسرائیلی‌کشی در لایو دوربین‌های اشغالگر!



محسن فاطمی‌نژاد | دو مبارز فلسطینی در ورودی شمال غربی الخلیل، دکترین امنیت هوشمند صهیونیست‌ها را در آستانه انتخابات کنست به چالش کشیدند. صبح جمعه بیست‌وسوم اکتبر، جغرافیای الخلیل بار دیگر اثبات کرد که برج‌های دیده‌بانی، شبکه‌های چندلایه دوربین‌های نظارتی هوشمند و زیرساخت‌های متراکم اصطلاحاً نفوذناپذیر در برابر اراده مقاومت، حکایت باز شیشه و سنگ است. در ورودی شمال غربی شهر و در نقطه‌ای موسوم به ایست و بازرسی «فرش الهوی»؛ جایی که ارتش رژیم صهیونیستی طی ماه‌های اخیر آن را با فناوری‌های نوین پردازش تصویر، برج‌های بتنی و دو لایه دروازه آهنی تجهیز کرده بود، یک درگیری مسلحانه ۲۰ دقیقه‌ای، تمام دکترین ادعایی کنترل هوشمند را ویران کرد.

■ **فرش قرمز مقاومت برای گردان «آری»**

ماجرا از پیاده شدن دو جوان مبارز فلسطینی در مجاورت جاده فرعی ۳۵ آغاز شد؛ جایی که نیرویی از گردان نوپای «آری» وابسته به فرماندهی جبهه داخلی ارتش صهیونیستی مستقر بود. برخلاف تصورات دستگاه‌های امنیتی که حضور فیزیکی متراکم و برج‌های مراقبت را مانعی نفوذناپذیر می‌دانستند، این دو رزمنده با طراحی کمین و آتش‌گشودن روی نیروهای نظامی، ارتش اشغالگر را وارد معرکه کاملاً غافلگیرانه کردند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌های عبری و داده‌های میدانی، در این رویارویی مستقیم، دست‌کم پنج سرباز اسرائیلی مجروح شدند که دو تن از آن‌ها با وجود تلاش‌های امدادی، به درک واصل شدند. شدت آتش به حدی بود که تیم‌های امدادی برای تخلیه مجروحان مجبور به استفاده از خودروهای زرهی سنگین شدند؛ فرایندی دشوار و طولانی که ناکارآمدی و سردرگمی تاکتیکی گردان تازه تأسیس صهیونیست‌ها را در نخستین مأموریت عملیاتی‌اش کاملاً عریان کرد.

■ **شکست الگوی خفقان امنیتی**

از منظر ساختار امنیتی، ارزش واقعی عملیات «فرش الهوی» دقیقاً در نقطه‌ای آشکار می‌شود که پروژه سوپرکتیو‌سازی بازرسی شکست می‌خورد. ایست و بازرسی فرش الهوی پس از تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و مسدود شدن سایر معابر، از یک گلوگاه فرعی به شریان اصلی تردد فلسطینیان میان الخلیل و شهرک‌های غربی بدل شد. رژیم صهیونیستی با اتکا به دوربین‌های هوش مصنوعی و انتقال ۲۰۰ متری گیت‌ها به عمق بافت شهری سعی داشت الگویی از خفقان هوشمند را پیاده کند؛ الگویی که در آن هر تحرکی پیش از وقوع خنثی شود؛ اما کمین ۲۰ دقیقه‌ای دو مبارز فلسطینی نشان داد تقاطع جاده ۳۵ و جاده ۶۰ یعنی قلب هندسه استعماری و مظهر اتصالات شهرک‌نشینی نه یک نقطه کور؛ بلکه پاشنه آشیل سیستم نظارتی است.

ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی این رویداد نیز برای جامعه صهیونیستی به همان اندازه مهمگین است. تکرار سناریو نفوذ به محکم‌ترین نقاط نظامی، افسانه «ارتش شکست‌ناپذیر» و امنیت تضمین‌شده شهرک‌نشینان در کرانه باختری را بار دیگر در هم شکست. شهر الخلیل با میراث تاریخی پر بار خود در مبارزه نشان داد که حتی با شدیدترین فشارهای معیشتی، مسدودسازی مسیرها و جداسازی جغرافیایی، شریان‌های اراده عمومی آن قطع‌شدنی نیست و هر نقطه‌ای از این انباشت امنیتی می‌تواند به آتش‌فشانی ناگهانی مبدل شود.

■ **کابوس دستگاه امنیتی اسرائیل**

همزمانی این شکست میدانی و انتخابات کنست، بحران سیاسی عمیقی را برای کابینه تانناهیو رقم زده است. در حالی که اپوزیسیون صهیونیستی و چهره‌های افراطی نظیر بن‌گوریر، این حادثه را نشانه‌ای از زوال بازدارندگی و کارآمدی مانورهای نظامی تل آویو می‌دانند، دستگاه‌های تبلیغاتی حاکمیت با طرح ادعاهایی مبنی بر کشف مهمات انبار شده در خودرو و خنثی‌سازی فاجعه‌ای بزرگ‌تر، در تلاش‌اند تا از بار روانی این ضربه بکاهند. با این حال، همه می‌دانند این دست‌روایت‌سازی‌ها به عنوان توجیهی پس از وقوع حادثه، نه می‌تواند خلأ اطلاعاتی آژانس امنیت اسرائیل یا همان شین‌بت را بپوشاند و نه واقعیت کشته و زخمی شدن سربازان را کتمان کند.

سانسور نظامی شدید و سانسور اخباری که نهادهای امنیتی صهیونیستی بلافاصله پس از حادثه اعمال کردند، خود گواهی بر ابعاد شکاف آشکارشده در تشکیلات امنیتی بود. در حالی که اشغالگران با اعمال محاصره کامل بر الخلیل، به دنبال تنبیه دسته‌جمعی ساکنان تحولات تاریخی مقاومت نیست می‌دهند مدل‌های جدید مقاومت، فارغ از میزان سرکوب یا نابودی ساختارهای سنتی در جنین و ناپلس بازتولید می‌شوند. عملیات «فرش الهوی» بازخوانی دوباره واقعیت مستمر فلسطین است؛ جغرافیا و معماری استعماری هرچقدر هم که به لایه‌های مدرن نظارتی و هوش مصنوعی مجهز باشد، در برابر اراده فدائیان‌ی که خطوط درگیری را آن‌ها تعیین می‌کنند، قابل شکست هستند. الخلیل بار دیگر نشان داد محاصره شهری و گسست جغرافیایی قادر به قطع پیوند تاریخی مقاومت نیست و تصویر مبارز شهادت‌طلب همچنان کابوس اصلی دستگاه امنیتی تل آویو باقی خواهد ماند.